

ان شالله - صفحه ۹۲

#تاریخ ادبیات:

روح الارواح: صفحه‌ی ۱۴۶ کتاب درسی

#معنای لغات:

آورده‌اند: نقل کرده‌اند، گفته‌اند / درمی: پول نقره، درهم / عقیدت: اعتقاد، باور / خلل: آسیب، مشکل / خَز: پوستین، لباس از جنس خز / خز / فروشان: بازار پوستین فروشان / می‌شوم: می‌روم / خرم: بخرم / ان شاء الله: اگر خدا بخواهد / حاجت: نیاز / زر: طلا / طرّار: دزد / حیل: مکر و فریب / واقف: آگاه / خجل‌وار: خجالت زاده، شرمگین / به اتفاق: اتفاقاً / بازخورد: دوباره روبرو شد / هان: (صوت) به نیت صدا زدن، آگاه باش / موضع: موقع، محل، جایگاه / فایده: نتیجه، سود

#معنای عبارت:

- درمی چند در آستین داشت و در عقیدتش خلل بود:
مقداری پول در آستین لباسش، پنهان کرده بود و در ایمانش نسبت به خدا ضعفی وجود داشت. (کاملاً به خداوند ایمان نداشت).
- به خز فروشان می‌شوم تا خزی خرم:
به بازار پوستین فروشان می‌روم تا لباسی از جنس خز بخرم.
- چون آن مرد واقف شد که زر بردند، خجل وار بازگشت و به اتفاق، هم آن مرد به او باز خورد:
وقتی آن مرد آگاه شد که پولش را دزدیدند، شرمگین برگشت و اتفاقاً همان مرد او را دوباره دید.

#نکات دستوری:

می‌شوم ← فعل غیر اسنادی / خزی خرم ← خز ← مفعول / یکی او را گفت = به او گفت ← را ← حرف اضافه / که زر بر آستین است و خز در بازار (است) ← فعل است حذف به قرینه‌ی لفظی

نوع نثر: ساده و عرفانی